



اندرز حزب کمونیست ایران به طبقه کارگر کافی نیست

اخیراً در سایت جهان امروز مقاله‌ای به تاریخ ۱۸ آذر ۱۴۰۳ تحت عنوان "سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در گرو آمدگی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" انتشار یافته است. نارسائی‌های مقاله ما را بر آن داشت که به آن برخورد کنیم، نارسائی‌ها را نمایان سازیم و اصلاحاتی بر آن وارد کنیم. جنبش کارگری ایران حدود ۱۲۲ سال در پراکندگی، در تلاش و مبارزه ادامه در صفحه ۳ است.



مبارزات زنان "قانون حجاب و عفاف" را پایمال کرد

ادامه در صفحه ۲

اوضاع کنونی و موقعیت رژیم جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌های ویران‌گر اقتصادی و اقدامات سرکوبگرانه رژیم در داخل کشور از یک جانب و تحولات یک سال اخیر در خاورمیانه، به ویژه فرار بشار اسد رئیس جمهور سوریه به روسیه، تخریب کامل نیروی دریائی این کشور توسط صهیونیست‌های اسرائیلی و حاکم شدن طیف گسترده‌ای از جنایتکاران داعشی به رهبری "هیئت تحریر الشام"، از جانب دیگر، رژیم جمهوری اسلامی ایران را در موقعیت ویژه‌ای قرار داده است. وظیفه این نوشته توضیح این موقعیت ویژه است. ادامه در صفحه ۵

علل تخریب محیط زیست و آلودگی هوای شهرهای ایران

تخریب محیط زیست در جهان امروز ناشی از تغییر و تحولات طبیعی نیست. سوخت و ساز طبیعت آن چنان نیست که محیط زیست جانداران را نابود سازد. نارسائی‌های محیطی امروزه جهان ناشی از تخریب و استثمار طبیعت برای کسب ابر سود توسط انسان است.



ادامه در صفحه ۱۰

سلاح زنگ زده تروتسکیستی

نویسنده: علی رسولی (ف.ک.)
ادامه

توجه داشته باشیم که داوری لنین درباره تروتسکی لحظه‌ای نیست بلکه بیان می‌دارد که تروتسکی "همواره همان می‌ماند که بود" یعنی شارلاتان، شاید، حقه باز کامل و شخصی که به راست‌ها یاری می‌رساند.

ادامه در صفحه ۱۲

"گل مینای جوان"

از درون شب تار، می‌شکوفد گل صبح خنده بر لب، گل خورشید کند، جلوه بر کوه بلند نیست تردید زمستان گذرد وز پی‌اش پیک بهار با هزاران گل سرخ

تمام شعر در ۱۳ صفحه

سودان قربانی جنگ داخلی و مطامع نظام

سرمایه‌داری



«در حالی که دو رقیب مسلح قدرتمند سودان همچنان درگیر جنگی مرگبار هستند، میلیون‌ها نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند، صدها هزار نفر کشته شده‌اند و تعداد بی شماری دیگر گرسنه هستند یا مورد آزار قرار می‌گیرند.» (روزنامه الجزیره) در سودان چه خبر است؟

سودان کشوری‌ست در شرق آفریقا. این کشور در یک نقطه استراتژیک تجاری قرار گرفته است: در غرب دریای سرخ با مرزی طولانی با این راه آبی تجارت جهانی. جمعیت سودان در سال ۲۰۲۳ میلادی حدود ۴۸،۱۱ میلیون نفر برآورد شده است. تولید ناخالص داخلی

ادامه در صفحه ۸

مبارزات زنان "قانون حجاب و عفاف" را پایمال کرد

بالاخره لایحه «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» که اصطلاحاً آن را "قانون حجاب و عفاف" می‌نامند و به صورت توپ فوتبال بین دروازه مجلس شورای اسلامی و شورای خبرگان شوت می‌شد، به تصویب مجلس رسید و بنا به گفته رئیس مجلس در ۲۳ آذرماه برای اجرا به دولت ابلاغ شد. این قانون دارای ۷۴ ماده و ۵ فصل است.

فصل دوم این قانون تکلیف کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور را چنین روشن می‌کند: «ماده ۳- کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۹۵ و ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸/۷/۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی مکلفند در دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان نسبت به آموزش سبک زندگی اسلامی خانواده محور به ویژه تعهد زوجین به یکدیگر و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب به صورت حضوری در هر سال اقدام کنند.» و بند ۷۴ آن «مدت زمان اجرای آزمایشی این قانون، سه سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن است.»

و برای اجرای واقعی و تضمینی این قانون زن ستیز و ضد انسانی، سپاه سلم و تور را نیز به یاری طلبیده است: «از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، معاونت علمی رئیس جمهور، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، وزارت اقتصاد، وزارت صمت، وزارت راه و شهرسازی، وزارت ارتباطات، وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، معاونت امور زنان رئیس جمهور و ... از جمله دستگاه‌هایی هستند که در این قانون به طور مستقیم تکالیفی را در حوزه فرهنگ

سازی و حمایت از خانواده بر عهده خواهند داشت.»

زنان علیه این قانون به مبارزه همه جانبه‌تر و گسترده‌تری رو آوردند. خط قرمزها را در نوردیدند، و با نادیده گرفتن محدودیت‌های شدید وضع شده، آن طور در جامعه ظاهر شدند و رفتار کردند که شایسته آن بودند. تهاجم عملی زنان شجاع ایران به این قانون شدیداً ارتجاعی و ضد بشری، اقشار و طبقات مترقی جامعه را علیه آن بسیج کرد. روشنفکران، معلمان، کانون نویسندگان، شورای فرهنگیان و بخشی از کارگران با بیانیه‌ها و تجمعات اعتراضی خود، علیه این قانون به مبارزه برخاستند. این مبارزه نه تنها اکثریت اقشار و طبقات جامعه ایران را علیه رژیم به حرکت آورد بلکه در خارج از کشور نیز نیروهای مترقی کشورهای مختلف را علیه این قانون به مبارزه کشاند و در پشتیبانی از مبارزات زنان ایران، رژیم را با شدت تحت فشار قرار داد.

فشارهای داخلی و بین‌المللی، به ویژه مبارزه زنان آزاده درون کشور باعث تشدید تضاد در رژیم فاشیستی حاکم شد. رئیس‌جمهور از اجرائی شدن آن ترسید و گفت «قادر به اجرای چنین قانونی نیست و آن را قابل‌اجرا نمی‌داند.» علت مخالفت او با این قانون نه از موضع دفاع از آزادی بلکه از این موضع است که او می‌خواهد "وفاق ملی" ایجاد کند، یعنی همه ملت و همه ملیت‌ها را زیر پرچم جمهوری اسلامی یعنی خامنه‌ای متحد کند. از این منظر قانون فوق را مانع راه خود می‌داند. آنگاه فریاد اعتراض مجلس علیه دولت گوش فلک را کر کرد. رئیس مجلس در تقابل با رئیس‌جمهور گفت «هرگز اجازه ندهیم در این بسترها دشمن اختلاف ایجاد کند.»

در این اثنا موقعیت بین‌المللی رژیم با سرنگونی بشار اسد و تهاجم اسرائیل به یمن و پراکندگی در "محور مقاومت" به شدت ضربه خورد. این شرایط بعلاوه گسترش مبارزات زنان، کارگران، بازنشستگان و معلمان، باعث هراس از پیامدهای اجرا شدن این قانون در دولت‌مردان رژیم گردید.

مجموعه این شرایط به محوریت مبارزه زنان داخل کشور، باعث گردید که بین مجلس و پزشک‌یان بر سر اجرائی نشدن این قانون توافق حاصل شود. «یک نماینده نزدیک به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی ... در پاسخ به این سوال که «آیا در مورد ابلاغ نشدن قانون عفاف و حجاب میان دولت و مجلس توافق صورت گرفته است؟ تصریح کرد: بله.» (سایت رکنا)

رنجبرزاده نماینده اسدآباد در مورد اجرائی نشدن قانون حجاب و عفاف گفت: «شورای عالی امنیت ملی فعلاً مانع شده و متوقف شده است.» و در مورد مدت اجرائی نشدن این قانون گفت: «فکر کنم زمان نداده و فعلاً گفته که اجرا نشود. در حقیقت تصمیم شورای عالی امنیت ملی این است که به لحاظ مصالح و مسائلی که آنها تشخیص دادند، فعلاً اجرا نشود...» (ایونا - ۲۴ آذر ۱۴۰۳)

بار دیگر قدرت اتحاد و یکپارچگی در مبارزه، رژیم فاشیستی ایران را گامی بزرگ به عقب راند. تصمیم شورای عالی امنیت ملی صد و هشتاد درجه با موضع آشکار و همیشگی سید علی خامنه‌ای در تضاد قرار دارد. خامنه‌ای می‌گوید: «حجاب حکم مسلم شرعی است. زنان باید این را رعایت کنند. حجاب حکم قانون است و چه کسانی که به شرع معتقدند و چه کسانی که نیستند باید آن را رعایت کنند.»

به بیان دیگر مبارزه متحد و تا پای جان زنان و مردان مترقی این جامعه و پشتیبانی بین‌المللی از آنها یکی از محوری‌ترین سیاست‌های رژیم علیه اکثریت مردم ایران را با شکست و ناکامی رو به رو ساخت.

وحدت و یکپارچگی در مبارزه قدرت آفرین است. جهان را در مسیر مثبت تغییر می‌دهد. ولی وحدت و یکپارچگی نه با اصول فروشی بلکه با مبارزه ایدئولوژیک سیاسی طبقاتی بدست می‌آید.

رشد و تعالی مبارزه زنان در
همبستگی با جنبش کارگری
نمود می‌یابد

اندرز حزب کمونیست ایران به طبقه کارگر کافی نیست

در تلاش و مبارزه است. این طبقه فقط در یک دوره دو ساله، زمان نخست وزیری دکتر مصدق، یعنی دوره آزادی‌های دمکراتیک از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ توسط حزب توده ایران توانست بخشاً در اتحادیه‌های علنی کارگری متحد شود و از پراکندگی نجات یابد. سپس مجدداً دوره سرکوب‌ها و پراکندگی آغاز گردید که تا کنون ادامه دارد.

مبارزات طبقه کارگر در تمام این ۱۲۲ سال چه آگاهانه و چه ناآگاهانه معیشتی - سیاسی بوده است. به بیان دیگر در لحظاتی هم که بخشی از این طبقه مبارزه فقط معیشتی را در پیش می‌گیرند، به دلیل حضور نیروهای سرکوب بورژوازی لاجرم مبارزه معیشتی شکل مبارزه سیاسی نیز به خود می‌گیرد. ولی طبقه کارگر با این سطح از مبارزه معیشتی - سیاسی قادر نیست همراه افشار دیگر زحمتکش و نیروهای مترقی، سرنگونی انقلابی را در پیش بگیرد.

مقاله نام برده از حزب کمونیست ایران نیز در این مورد موضع ظاهراً درست ولی دو پهلوئی را اتخاذ کرده است. در مقاله آمده است: «بدون حضور جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در صحنه سیاسی جامعه نمی‌توان پیشروی جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تضمین کرد.»

"جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" یعنی چه؟

این، هم می‌تواند بدین معنی باشد که تا وقتی جنبش کارگری هدف تخریب نظام سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم را در پیش نگیرد، یعنی به جنبش سوسیالیستی - کارگری تبدیل نشود، نمی‌تواند به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی دست یابد.

در عین حال "جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" می‌تواند به این معنی باشد که تا وقتی جنبش کمونیستی که جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است در صحنه

نیاشد این سرنگونی انقلابی عملی نمی‌گردد.

اگر ما برداشت اول را از "جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" در نظر بگیریم در ادامه چنین می‌آید: «اکنون منافع طبقاتی و مبارزه سیاسی طبقه کارگر ایجاب می‌کند که پرچم مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، پرچم مبارزه برای لغو مجازات اعدام، پرچم مبارزه برای لغو قانون حجاب اجباری و پرچم مبارزه علیه جنگ افروزی در دست طبقه کارگر باشد». این موضع درستی است ولی در ادامه می‌گوید: «طبقه کارگر برای انجام این رسالت باید بر پراکندگی صفوف خود غلبه کند و برای غلبه کردن بر ضعف‌های خود باید فرصت داشته باشد. اما طبقه کارگر این فرصت را با جنبش عظیم اعتراضی و اعتصابی ایجاد کرده است.» و «در این دوره انقلابی می‌تواند بر این ضعف‌ها غلبه کند.»

این بدان معناست که جنبش کارگری بدون وجود یک جنبش قوی، متحد و یکپارچه کمونیستی، یعنی بدون وجود یک حزب کمونیست راستین سراسری، می‌تواند بر ضعف‌های خود غلبه کند. به بیان دیگر جنبش کارگری بدون حضور و تأثیرگذاری جنبش کمونیستی می‌تواند به جنبش سوسیالیستی کارگری تبدیل شود و بر ضعف‌های خود غلبه کند. این هیچ چیزی غیر از اکونومیسم خالص و دنباله روی از جنبش کارگری نیست.

مقاله اساساً به این سؤال جواب نمی‌دهد که چرا طبقه کارگر باید پرچمدار و مدافع خواست‌های دمکراتیک مردم باشد؟

کارگران با شرکت در جنبش‌های دمکراتیک و پشتیبانی از آنها اولاً این جنبش‌ها را در مبارزه علیه رژیم به خاطر درخواست‌هایشان تقویت می‌نمایند و دوماً کارگران آگاه فقط در این جنبش‌های دمکراتیک می‌توانند به مردم نشان دهند که در رژیم‌های سرمایه‌داری رسیدن به حداکثر خواست‌های دمکراتیک غیر ممکن است. فقط در سوسیالیسم خواست‌های محفانه مردم می‌تواند کاملاً برآورده گردد.

حال اگر ما برداشت دوم را از "جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" در نظر بگیریم، معضل دیگری در مقابل ما قد علم می‌کند:

این برداشت به وجود می‌آید که جنبش سوسیالیستی در صحنه جامعه حضور ندارد. ندارد؟ دارد!

حتی در جنبش کارگری نیز نفوذ نسبی



دارد، ولی پراکنده است، ضعیف است. بین بخش‌های مختلف جنبش کمونیستی گرایش به وحدت بسیار اندک است. جنبش کمونیستی به صورت هسته‌های کوچک و مخفی، به صورت گروه‌ها و احزاب شناخته شده‌ای است که بخشی از هر سازمان و یا گروهی در داخلی و بخشی از آن در خارج به حیات خود ادامه می‌دهند و همه آنها در تلاش هستند که بخش داخل خود را تقویت کنند. به بیان دیگر جنبش کمونیستی در جامعه حضور دارند. نفی این مسأله نفی وجود جنبش کمونیست ایران است.

حال ما با نیت "خیر" به این موضع گیری برخورد می‌کنیم که منظور حزب کمونیست ایران این است جنبش کمونیستی چنین پراکنده و غیر متحدی را می‌توان بی تأثیر در جنبش کارگری در نظر گرفت و در نتیجه عدم حضور به حساب آورد. این برداشت نیز کاملاً غیر واقعی است زیرا وقتی بیانیه‌های کارگری را مطالعه می‌کنیم در برخی از آنها تأثیر عمیق جنبش کمونیستی را می‌توانیم ردیابی کنیم.

ولی چه باید کرد که طبق برداشت اول، "جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" در

صحنه جامعه حاضر و نیز طبق برداشت دوم "جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر" در صحنه حضور داشته باشد؟

در این مورد مقاله هیچ طرحی ارائه نمی‌دهد. هیچ چیزی نمی‌گوید. اگر ما نتوانیم به این سؤال اساسی جواب دهیم، گفتارهای ما به اندرزهای بی‌خاصیتی تبدیل می‌شود که به هیچ کاری نمی‌آید. جنبش کارگری وقتی می‌تواند سمت و سوی سوسیالیستی در پیش گیرد که جنبش کمونیستی در آن نفوذ کند و جنبش کمونیستی، کارگری گردد. این پروسه مستلزم یک حرکت واحد دوگانه در جنبش کمونیستی ایران است: حرکتی که دوگانگی‌اش تفکیک ناپذیر است.

الف- بخش‌های جنبش کمونیستی سمت پیوند با کارگران را در پیش گیرند و آنهایی که چنین پیوندی را دارند آن را مستحکم و مستحکم‌تر کنند، به جای حرافی و اشک ریزی برای نبود حزب کمونیست واقعی در کشور، به سازماندهی کارگران پیشرو بپردازند.

ب- در این روند، دامن زدن به یک مبارزه ایدئولوژیک خلاق و سازنده جهت یکی شدن و ایجاد گام به گام "حزب کمونیست راستین و سراسری ایران" ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد.

شاید حزب کمونیست ایران واقعا خود را "حزب کمونیست راستین و سراسری ایران" می‌داند. این یک توهم است. با چنین توهمی حزب کمونیست ایران هیچگاه قادر نخواهد شد با دیگر بخش‌های جنبش کمونیستی ایران جهت ایجاد "حزب کمونیست راستین و سراسری ایران" متحد شود و مجبور است در مقابل آن بایستد. زیرا این حزب پیشاپیش خود را چنین حزبی می‌داند.

۳- نقطه آغازین، آگاهانه و مصممانه جنبش کمونیستی در این حرکت دوگانه در کجاست؟ به این سؤال نیز پاسخی در مقاله فوق‌الذکر وجود ندارد.

از نظر ما، نشستی است از نمایندگان بخش‌های مختلف جنبش کمونیستی و کمونیست‌های منفرد برای حل گام به گام دو معضل بیان شده. ما این نشست اولیه

را کنفرانس می‌نامیم و در کمون شماره ۴۲ در رابطه با آن توضیح داده‌ایم. نتیجه این که: سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری - فاشیستی جمهوری اسلامی ایران زمانی قابل تحقق است که کمونیست‌ها طی یک حرکت دووجهی - حرکت در سمت طبقه کارگر و حرکت در جهت یکی شدن و ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران - بتوانند جنبش کارگری را سوسیالیستی کرده و از این طریق جنبش عمومی مردم زحمتکش ایران سمت انقلاب سوسیالیستی در پیش گیرد.

و این زمانی به یک حرکت عمومی واقعی در جهت سرنگونی تبدیل می‌گردد که طبقه کارگر با کمک حزب کمونیست‌اش خود و مردم را متحد کرده و مبارزه مسلحانه توده‌ای را سازمان دهد.

در این لحظه‌است که در صورت مساعد بودن شرایط بین‌المللی، جنبش سوسیالیستی اکثریت مردم، رژیم سرمایه‌داری خونخوار حاکم بر ایران را به طور انقلابی سرنگونی خواهد کرد.

نظم کمونیستی
۲۶ دی ۱۴۰۳

ما در زیر مقاله مندرجه در سایت جهان امروز را می‌آوریم تا خواننده بتواند خود قضاوت کند.

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در گرو آمادگی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر

یکشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳

اکنون و در شرایطی که بخشی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی ایران از سر استیصال، به فشارهای حداکثری ترامپ و یا برخی دیگر به عملیات موشکی ارتش اسرائیل و بعضی‌ها هم به این "باور" که بعد از سرنگونی بشار اسد در سوریه نوبت براندازی جمهوری اسلامی در تهران فرا رسیده، امید بسته اند، تمام بحث بر سر این است که چگونه می‌توان پیشروی جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تضمین کرد. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی امری عملی و ممکن است. بحران‌های

جمهوری اسلامی عمیق‌تر و فراگیرتر و حادثه از آن هستند که این رژیم در برابر آنها تاب مقاومت داشته باشد.

فراتر از بحران‌های فراگیر و عمیق اقتصادی و اجتماعی، تحولات اخیر در خاورمیانه بار دیگر نشان داد که استراتژی منطقه‌ای رژیم جمهوری اسلامی با شکست کامل روبرو شده است. شکست حزب الله در لبنان در نتیجه ضربات کوبنده‌ای که اسرائیل بر آن وارد آورد به معنای شکست نقشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی است. سقوط رژیم بعث بشار اسد در سوریه که نقش ستون اصلی نیروهای محور مقاومت رژیم جمهوری اسلامی را بر عهده داشت در همان حال به معنای سقوط رژیم جمهوری اسلامی در این کشور است. اکنون با شکست حزب الله در لبنان و سقوط رژیم دیکتاتوری بشار اسد نیروهای محور مقاومت رژیم جمهوری اسلامی در منطقه از هم فروپاشیده‌اند.

پایه‌های حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر چشمان مردم یکی بعد از دیگری فرو می‌ریزند. بدون تردید این شکست‌های راهبردی در همانحال که جنگ و نزاع باندهای حکومتی را تشدید و بحران حکومتی را عمیق‌تر کرده، رویکرد جنبش‌های اعتراضی را تعرضی‌تر می‌کند. در شرایط کنونی در ماندگی رژیم در پاسخگویی به مطالبات جنبش اعتصابی کارگران، بازنشستگان، پرستاران، معلمان و دانشجویان و دیگر جنبش‌های اعتراضی، اعتلای سیاسی این جنبش‌ها و یک برآمد توده‌ای را در چشم انداز نزدیک قرار داده است. حکومت اسلامی با همه جناح‌های تشدید سرکوب را به استراتژی بقای خودش تبدیل کرده است، اما تجربه تمام حکومت‌های دیکتاتوری و تجربه سقوط دیکتاتوری بشار اسد در سوریه هم نشان داد که با تکیه کردن بر استراتژی سرکوب نمی‌توان حکومت اسلامی را از خطر سرنگونی نجات داد.

رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خود به حزب پادگانی سپاه پاسداران که شبکه‌های خبرچینی و مافیای و سرکوب خود را به پهنای ایران گسترانده است، تکیه

اوضاع کنونی و موقعیت رژیم جمهوری اسلامی ایران

ویژه است.

اوضاع متغیر خارجی:

رژیم ایران از ابتدای ظهورش با اعمال سیاست‌های بسیار مخرب اقتصادی و سرکوب‌های دائم، پایه‌های مردمی خود را قدم به قدم از دست داده است. به طوری که امروز یکی از منفرترین رژیم‌های جهان در بین مردم کشور خود است. این رژیم برای تقابل با جنبش عمومی مردم و حفظ خود در مناسبات قدرت در سطح خاورمیانه و بین‌المللی به پرورش و تقویت سازمان‌های تروریستی در اطراف اسرائیل و تقویت دولت‌های مرتجع مثل دولت بشار اسد پرداخته است. (محور مقاومت)

رژیم ایران برای تحکیم پایه‌های قدرت خود در ایران و تحقق سرکردگی در خاورمیانه می‌بایست سیاست خاصی را اتخاذ کند و بر اهرم‌های خاصی تکیه نماید. سیاست خاص رژیم ایران برجسته کردن آمریکا و اسرائیل به عنوان دو دشمن ذاتی جمهوری اسلامی و استقلال کشورهای منطقه است و اهرم‌های خاص نیز ایجاد و تقویت گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی علیه این دو دشمن و در عین حال تقویت دولت‌های مخالف این دو دشمن می‌باشد.

رژیم جمهوری اسلامی در عین حال با تکیه بر دو عامل مادی و ذهنی نفوذ خود را در آفریقا در کشورهایی مثل سودان، نیجریه و سنگال تقویت کرده است؛ یکم با تکیه بر همدلی و اتحاد علیه سلطه‌گران غربی و دوم تقویت دین اسلام در قالب مذهب تسنن.

دولت ایران برای حفظ و تقویت "محور مقاومت"ی که ایجاد کرده است، سالانه جان هزاران سرباز ایرانی و ده‌ها میلیارد دلار از استثمار طبقه کارگر و غارت هستی اکثریت مردم ایران را هزینه کرده است. «شمار دقیق نیروهای کشته شده ایرانی در سوریه مشخص نیست اما تخمین زده شده که بیش از ۵ هزار نفر در این جنگ کشته شده‌اند ... رسانه‌ها در

برای غلبه کردن بر ضعف‌های خود باید فرصت داشته باشد.

اما طبقه کارگر این فرصت را با جنبش عظیم اعتراضی و اعتصابی ایجاد کرده است. اکنون جنبش کارگری ایران یکی از پر اعتراض و اعتصاب‌ترین جنبش‌های کارگری جهان است. نباید تردیدی داشته باشیم طبقه کارگر ایران با توجه به فرصتی که با تکیه بر جنبش اعتصابی خود به وجود آورده است آنها در این دوره انقلابی می‌تواند بر این ضعف‌ها غلبه کند. در گام اول باید تلاش کرد که طبقه کارگر مطالبات اقتصادی عاجل خود را به خواسته‌های سیاسی متناسب با این دوره انقلابی تلفیق کند. اکنون منافع طبقاتی و مبارزه سیاسی طبقه کارگر ایجاب می‌کند که پرچم مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، پرچم مبارزه برای لغو مجازات اعدام، پرچم مبارزه برای لغو قانون حجاب اجباری و پرچم مبارزه علیه جنگ افروزی در دست طبقه کارگر باشد.

اکنون وقت آن است که جنگ جمهوری اسلامی علیه زنان بر سر حجاب را به جنگ کل جامعه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. اکنون زمان در آمیختن مطالبات اقتصادی با مطالبات سیاسی است، اکنون وقت آن است که طبقه کارگر پرچم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در دست بگیرد. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تحت رهبری طبقه کارگر نه فقط از زاویه منافع طبقه کارگر و جنبش آزدیخواهی و برابری طلبی در ایران به یک ضرورت و نیاز سیاسی تبدیل شده است، بلکه از زاویه منافع کارگران در منطقه خاورمیانه و جنبش آزدیخواهانه در این منطقه و جهان نیز تحول مهمی بحساب می‌آید.

سخن روز: تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له



حزب کمونیست راستین
ایران شکل سازمانی ایدئولوژی
پرولتاریاست

دارد. اما اگر نیروی متحد و یکپارچه کارگران در مراکز کلیدی تولید با سلاح اعتصاب به حرکت در آید و به ستون فقرات اعتراضات و اعتصابات سیاسی عمومی تبدیل شود می‌تواند ماشین سرکوب سپاه پاسداران را فلج و در هم شکند.

تجربه خیزش‌ها و جنبش‌های انقلابی در هفت سال گذشته در ایران و تجربه انقلاب‌ها این را به ما نشان داده است که انقلاب را می‌تواند اقلیتی در جامعه آغاز کند، اما اگر نیروی اصلی انقلاب وارد عمل نشود، این اقلیت نمی‌تواند انقلاب را به پیروزی رساند. تحلیل دینامیسم و شناخت نیروی محرکه انقلاب در ایران این را به ما می‌گوید که بدون حضور جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در صحنه سیاسی جامعه نمی‌توان پیشروی جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تضمین کرد.

تجربه تمام انقلاب‌ها در قرن بیستم و خیزش‌های انقلابی در قرن بیست و یکم و تجربه خیزش‌های چند سال اخیر در ایران نشان می‌دهند، در شرایط امروز ایران اعتصابات سراسری کارگران در مراکز کلیدی تولید و خدمات با تلفیق خواسته‌های اقتصادی و سیاسی که به ستون فقرات اعتصاب عمومی سیاسی تبدیل شده باشد، محتمل‌ترین سیر پیشروی انقلاب است. هر انقلابی راستین که خواهان سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است باید به تلاش برای بسیج جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بپیوندد.

این امر را نباید دور از دسترس دانست. طبقه کارگر اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد و با توجه به جایگاه تعیین کننده‌ای که در تولید اجتماعی دارد، با توجه به جایگاهی که در صنایع کلیدی دارد می‌تواند، چرخ اقتصاد حکومت اسلامی سرمایه داران و منبع تأمین نیروهای سرکوب و بوروکراسی دولتی را فلج و زمینگیر کند. درست است که طبقه کارگر برای انجام این رسالت باید بر پراکندگی صفوف خود غلبه کند و

ایران و مقامات دولتی این رقم را بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار اعلام می‌کنند اما گمان می‌رود میزان هزینه‌ها بیشتر از این باشد.» (بی بی سی فارسی - ۱۹ آذر ۱۴۰۳)

حال اساسی‌ترین و ظاهراً مستحکم‌ترین حلقه "محور مقاومت" که با ثبات و محکم به نظر می‌رسید، فرو ریخته است: پایگاه اصلی رژیم در کنترل و تقویت نیروهای "محور مقاومت"، یعنی رژیم جنایتکار بشار اسد، در عرض چند روز توسط نیروهای جنایتکارتر داعشی که توسط غربی‌ها و به ویژه ترکیه تقویت می‌شد، سرنگون گردید. مردم سوریه همانند مردم ایران در سال ۵۷ به رقص و پایکوبی مشغول شده و به حق برای گامی در جهت آزادی به وجد آمده بودند ولی همانند ایران نه یک دولت مردمی که نماینده اکثریت زحمتکشان باشد، بلکه یک رژیم داعشی مذهبی عقب مانده جنایتکارتر از رژیم اسد دوباره بر مردم سوریه حاکم گشته است. رژیم اسد سوریه را در سیر تکامل عمومی اقتصاد سرمایه‌داری جهانی با جبر و کشتار و جنایت تکامل داد و سوریه مدرنی ایجاد کرد. ولی این جنایتکاران تازه حاکم شده همانند رژیم بشار اسد، فاشیست هستند ولی قادر به ساختمان نیستند. منافع مردم سوریه نه در آن رژیم تأمین گردید و نه در این رژیم تأمین خواهد شد.

ولی تغییر رژیم در سوریه حلقه کلیدی محور مقاومت را خرد کرد، شاهره ارتباطی جمهوری اسلامی با دیگر نیروهای محور مقاومت را قطع نمود. این در حالی است که نیروهای این محور در ماه‌های اخیر به شدت تضعیف گشته‌اند. حماس و مردم غزه، حزب الله لبنان و بخشی از مردم این کشور ضربات جبران ناپذیری را از رژیم فاشیستی اسرائیل متحمل شده‌اند. حوثی‌های یمن بارها توسط هواپیماهای جنگنده آمریکائی و انگلیسی بمباران شده و قدرت تهاجمی و دفاعی خود را تا اندازه زیادی از دست داده‌اند. مزید بر آن کلیه زیر ساخت‌های حوثی‌ها توسط موشک‌های اسرائیل ویران گشته است. در عین حال متحدان

بین المللی رژیم بشار اسد یعنی روسیه در اوکراین با ناتو، و چین در تایوان و دریای چین با امپریالیسم آمریکا مشغول بودند و فرصت حمایت همه جانبه از رژیم اسد را نداشتند.

نیروهای محور مقاومت علاوه بر ضرباتی که از دخالت آمریکا و تهاجم نظامی اسرائیل متحمل شدند، اکنون با قطع کمک‌های مالی و تسلیحاتی از جانب ایران مواجه هستند. زیرا کمک‌های مالی و تسلیحاتی رژیم ایران به این گروه‌ها نه مطلقاً ولی اساساً از طریق سوریه انجام می‌شد.

با ایجاد توافق آتش بس دوماهه بین حزب الله لبنان و دولت اسرائیل، نتانیاهو به شرایط مساعدی در درگیری با ایران دست یافته است. به بیان دیگر اسرائیل در شرایط مساعدتری از قبل و ایران در شرایط شکننده‌تری از قبل قرار دارند. در درگیری احتمالی اسرائیل و ایران، نیروهای محور مقاومت قادر به حملات وسیع به اسرائیل نیستند و توان مقاومت طولانی هم ندارند.

در این درگیری احتمالی، موشک‌های پرتاب شده از طرف ایران به سوی اسرائیل، می‌تواند توسط ضد موشک‌های آمریکائی، فرانسوی، آلمانی و انگلیسی رهگیری و ساقط شود ولی موشک‌های فوق مدرن اسرائیلی که اهدائی آمریکا و امپریالیست‌های اروپائی است می‌تواند بدون مانع به اهداف تعیین شده در ایران اصابت کنند. همان طور که به برخی تأسیسات اتمی ایران و محل اقامت هنیه اصابت کرد. از همه مهمتر، این که مردم ایران پشت رژیم فاشیستی ایران نمی‌ایستند و در چنین شرایطی به مبارزه آزادیخواهانه و استقلال طلبانه خود علیه رژیم و دخالت دولت‌های بیگانه در اوضاع داخلی ایران ادامه می‌دهند. تغییر فوق در خاورمیانه موقعیت ایران را چه در خاورمیانه و چه در سطح بین‌المللی به شدت تضعیف کرده است

این است شرایط بین‌المللی رژیم حاکم بر ایران.

در چنین شرایطی رژیم ایران دغلقاری و سیاست ارباب را نسبت به مردم کشور

تشدید کرده است. خامنه‌ای چنین می‌گوید: «نباید تردید کرد که آنچه که در سوریه اتفاق افتاد محصول یک نقشه مشترک آمریکائی و صهیونیستی است قرآنی داریم. این قرآن برای انسان جای تردید باقی نمی‌گذارد. حالا یک دولت همسایه سوریه نقش آشکاری را در این زمینه ایفا می‌کند، ایفا کرده و الان هم ایفا می‌کند. این را می‌بینند همه. هر چه فشار بیاورید محکمتر میشه. هر چه جنایت کنید، پر انگیزه‌تر میشه. هر چه با آنها بجنگید، گسترده تر میشه. الان به شما عرض می‌کنم به هول قوه الهی گسترش مقاومت بیش از گذشته تمام مملکت را فرا خواهد گرفت. آن تحلیلگر نادان بی خبر از معنای مقاومت خیال می‌کند که مقاومت که ضعیف شد، ایران اسلامی هم ضعیف خواهد شد. من عرض می‌کنم به هول قوه الهی به اذن الله تعالی ایران قوی مقتدر است و مقتدرتر هم خواهد شد.»

خامنه‌ای یک دروغگوی بیش‌ر می‌است که سعی می‌کند خاک به چشم مردم ایران بپاشد. همه مردم ایران شاهد ضربات متوالی اسرائیل بر "محور مقاومت" رژیم جمهوری و نابودی مهمترین حلقه آن بوده و هستند ولی خامنه‌ای می‌گوید نه تنها هیچ اتفاق قابل ذکر نیافتاده، بلکه محور مقاومت قوی‌تر از پیش عمل می‌کند. این یک دغلقاری و حقه بازی سیاسی‌ست که از ضعف ناشی می‌شود نه از قوت و مصرف داخلی برای هواداران خود دارد. ولی مردم خلاف آن را فکر می‌کنند. و اطلاعات دقیق از روند اوضاع دارند. به همین جهت است که دادستانی رژیم برای کنترل و ترساندن مردم شجاع این سرزمین، تهدید می‌کند که «با افرادی که ضمن اظهارات غیرمسئولانه با انتشار محتوای خلاف واقع، نشر اکاذیب و توهین اقدام به بر زدن امنیت روانی جامعه کنند و باعث ترس مردم شوند، بر اساس قانون برخورد مقتضی صورت خواهد گرفت.»

سیاست‌های اقتصادی داخلی:

در مرکز سیاست‌های اقتصادی داخلی، ایجاد شرایطی است که کارگران مجبور باشند هر روز برای لقمه‌ای نان به مبارزه

مرگ و زندگی بپردازند و اجباراً از اهداف سیاسی - طبقاتی خود دور شوند. این سیاست، کشیدن اکثریت کارگران ایران به خط مرگ است. در این زمینه ما به مهمترین زمینه‌ها در اقتصاد سیاسی زحمتکشان می‌پردازیم:

کسری بودجه دولت تا پایان سال ۱۴۰۳ حدود ۲۷۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. (افکارنیوز) این کسری در حالی است که بودجه نیروهای نظامی در همین سال ۴۷۰ هزار میلیارد تومان از بودجه کشور (کل بودجه کشور) بعلاوه ۱۳۲ هزار میلیارد تومان از درآمد نفت و گاز رقم زده شده است. رژیم این کسری بودجه را با گران کردن همه چیز به ویژه ارز (دلار) از انبان خالی زحمتکشان بیرون می‌کشد:

تهران - محله	متراژ	مشخصات	ودیعه تومان	اجاره تومان
جمهوری	۵۶ متر	سال ساخت ۱۳۸۹ - ۱ خوابه	۳۰۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۰'۰۰۰'۰۰۰
جمهوری	۵۷ متر	سال ساخت ۱۳۸۷ - ۱ خوابه	۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۵'۰۰۰'۰۰۰
جمهوری	۵۵ متر	سال ساخت ۱۳۹۰ - ۱ خوابه	۲۰۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۵'۰۰۰'۰۰۰
جمهوری	۵۵ متر	سال ساخت ۱۳۸۶ - ۲ خوابه	۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۵'۵۰۰'۰۰۰
جمهوری	۴۰ متر	سال ساخت ۱۳۸۷ - ۱ خوابه	۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۵'۰۰۰'۰۰۰
جمهوری	۵۰ متر	سال ساخت ۱۳۸۴ - ۱ خوابه	۱۲۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۱'۰۰۰'۰۰۰
جمهوری	۶۰ متر	سال ساخت ۱۳۸۷ - ۱ خوابه	۷۰۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰
جمهوری	۴۵ متر	سال ساخت ۱۳۸۳ - ۱ خوابه	۲۰۰'۰۰۰'۰۰۰	۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰
جمهوری	۴۰ متر	سال ساخت ۱۳۸۰ - ۱ خوابه		

خبرانلاین - ۱۵ آذر ۱۴۰۳

برق: «بهای برق در سال ۱۳۸۹ برای مصرف خانگی ۲/۹۱ ریال برای هر کیلو وات ساعت بود. ولی در سال ۱۴۰۳ هزینه یک خانواده کم مصرف برای هر کیلو وات برق حدود ۷۵۴۲ ریال افزایش را نشان می‌دهد. (همشهری آنلاین) ۶۴/۳ درصد نیروگاه‌های برق خصوصی است و این چپاول افسار گسیخته به حساب بانکی دولتمردان صاحب نیروگاه‌ها واریز می‌شود.

نان: قیمت نان در ۲۷ آذر ۱۴۰۰: نان بربری ۲۵۰ گرمی هر دانه ۱۸۰۰ تومان، نان سنگک ۶۵۰ گرمی هر دانه ۳۰۰۰ تومان و نان لواش ۱۶۰ گرمی دانه‌ای ۶۵۰ تومان (تسنیم)

امروزه (۲۳ دیماه ۱۴۰۳) قیمت هر دانه نان سنگک ۴۰۰ گرمی ۲۰ هزار تومان و نان بربری ۳۰۰ گرمی دانه‌ای ۱۰ هزار تومان.

گرانی باور نکردنی اساسی‌ترین مایحتاج حیاتی بشری، زندگی را برای زحمتکشان کشور ما به مرگ تدریجی تبدیل کرده است.

آب: در سال ۱۳۹۷، قیمت تمام‌شده یک متر مکعب آب شهری ۲۰ تومان بوده است. (مشرق - کد خبر ۸۰۷۴۲۳) در سال ۱۴۰۳ قیمت تمام شده یک متر

میلیون تومانی نمی‌توانند اجاره ماهانه ۱۵ میلیون تومانی یک خانه ۴۰ متر مربعی را بپردازند.

حداقل مزد: حداقل مزد یک کارگر صنعتی با ۵ سال سابقه در سال ۱۳۹۹ «با افزایش ۲۰/۹ درصدی به عدد ۱ میلیون و ۸۳۵ هزار و ۴۲۷ تومان رسید.» در حالی که «نرخ تورم سالانه از سوی مرکز آمار ایران معادل ۳۶/۴ درصد اعلام شد.» (سایت تابناک - ۲۹ فروردین ۱۴۰۰)

کل حداقل مزد دریافتی یک کارگر متوسط صنعتی در ۱۴۰۲ حدود ۷۵۹۶۱۱۲ تومان بود. این مزد با تورم ۴۲/۶ درصدی مواجه می‌شد. کل حداقل مزد دریافتی یک کارگر متوسط صنعتی در ۱۴۰۳ حدود ۱۰۶۸۹۸۰۲ تومان است. این مزد با تورم ۳۳/۶ درصدی مقابله می‌کند.

مزد کارگران در سال ۱۴۰۳ نسبت به ۱۴۰۲ حدود ۳۵ درصد افزایش داشته است ولی تورم سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ حدود ۳۳/۶ درصد بوده است. در واقع مزد کارگران در سال ۱۴۰۳ به طور واقعی فقط ۱/۴ درصد افزایش یافته است. کارفرمایان در هر شش ماه حداقل دومه از دستمزد کارگران رانیز پرداخت

«صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی گزارش می‌کنند که اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳، ۳/۵ درصد کوچکتر و تورم در آن ۵۰ درصد بیشتر شد.» (رادپو فردا)

به عبارت دیگر با وجود ثروت‌های بیکران در بالای جامعه، زحمتکشان و مرز نیروهای مترقی بین مرز فقر و مرز مرگ به سر می‌برند.

رژیم جمهوری اسلامی در کلیه زمینه‌های تقابل سیاسی با اپوزیسیون مترقی کشور، شکست خورده است. با وجودی که با ایجاد گرانی مصنوعی و نفوذ ایدئولوژی سازشکارانه توسط خرده بورژوازی در جنبش کارگری موفق شده است بخش‌های وسیع جنبش کارگری را در محدوده خواست‌های معیشتی محبوس سازد ولی جنبش معیشتی کارگران لاینقطع و گسترش‌یابنده رژیم را به استیصال کشانده است. جنبش زنان برای آزادی پوشش و دیگر آزادی‌های اجتماعی و اقتصادی با تمام فشارهای غیر قابل تحمل و سرکوب‌ها، گامی عقب نگذاشته و رژیم را با شکستی مقتضاحانه روبرو نموده است.

جنبش عمومی آتش زیر خاکستر است. در آینده‌ای نه چندان دور ما شاهد امواج عظیم مبارزات تمام اقشار مترقی و

ب: به ضرورت وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست راستین پرولتاریا باور داشته باشند.

پ: به انقلاب قهر آمیز توده‌ای به رهبری پرولتاریا معتقد باشند،

ت: به ایجاد جامعه سوسیالیستی بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران معتقد باشند.

ث: و بر قراری دیکتاتوری پرولتاریا را برای ساختمان سوسیالیسم قبول داشته باشند.»

وظیفه این کنفرانس ایجاد حزب کمونیست راستین ایران نیست بلکه راهیابی جهت برداشتن گام‌های ضروری و مشترک برای کارگری کردن جنبش کمونیستی و پیدا کردن مهمترین عامل ایدئولوژیکی که سد راه ایجاد حزب گشته است و مبارزه ایدئولوژیک خلاق و سازنده علیه آن، زدودنش و باز کردن یک گام به سوی ایجاد حزب کمونیست راستین ایران.

سرمایه‌داری امپریالیستی جهان را بر مبنای خصلت استثمارگرانه و چپاول‌گرانه‌اش خود به صورت ویرانه‌ی کنونی درآورده است. تغییرات مثبت به نفع طبقات استثمار شده و ستم دیده را نه سرمایه‌داری، بلکه نوسازی درونی جنبش کمونیستی شکل خواهد داد. در پروسه ایجاد احزاب کمونیست در کشورهای مختلف و ایجاد یک انترناسیونال کمونیستی مقتدر این روند آغاز می‌گردد.

سودان قربانی جنگ داخلی و مطامع نظام سرمایه‌داری

تولید ناخالص داخلی آن در همان سال حدود ۱۰۹,۳۳ میلیارد دلار آمریکا و نرخ بیکاری ۲۰,۸٪ نیروی کار بوده است.

پس از سالها جنگ و خونریزی بالاخره سودان جنوبی در ۲۰۱۱ از سودان شمالی جدا می‌شود. منابع نفتی نیز در سودان جنوبی قرار دارد. ولی چون نفت تولید شده باید توسط لوله‌هایی به خارج حمل شود که از سودان شمالی می‌گذرد،

و بیماری با قدرت بیشتری حقوق مردم را می‌گیرد.

در نتیجه ما به درستی می‌توانیم انفجار عظیم مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی را پیشگویی کنیم.

آیا این انفجار و پیشرفت مبارزه به هدف آزادی مردم از استثمار، فقر و سیاه‌روزی و استقلال کشور خواهد انجامید؟ نه.

زیرا مبارزه انقلابی احتیاج به آگاهی انقلابی دارد. مبارزه به خاطر سوسیالیسم احتیاج به آگاهی سوسیالیستی دارد. فقط جنبش کمونیستی و نه جنبش کارگری صرف می‌تواند در پراتیک مبارزاتی توده زحمتکش این آگاهی را در آنها به وجود آورد و تکامل دهد. ولی ما کمونیست‌های ایران در تنبلی و اتخاذ طرح‌های رنگارنگ جانبی برای فرار از انجام وظیفه ایجاد حزب کمونیست راستین ایران، گوی سبقت از تمام تنبلان و تن‌آسایان جهان ربوده‌ایم. کنار گود نشسته، حرف‌های دهان پرکن می‌زنیم و به مردم می‌گوئیم لنگش کن لنگش کن، بدون این که کوچکترین فعالیتی در سازمان‌دادن سازمان سیاسی رهبری کننده کارگران از خود بروز دهیم و در جهت پیوند جنبش کمونیستی با جنبش طبقه کارگر گام اساسی برداریم.

ما کمونیست‌ها باید برای روزی که جنبش مردم به صورت انفجاری سطح کشور را فرا می‌گیرد آماده باشیم. باید تشکیلات طبقه خود را تا اندازه‌ای سازمان داده باشیم. این مهم در ابتدا با تشکیل اولین "کنفرانس تدارک ایجاد حزب" ممکن می‌گردد.

ما در چند شماره کمون نوشتیم که شرکت کنندگان در کنفرانس باید دارای مواضع زیر باشند:

الف: در درون طبقه کارگر حضور داشته باشند،

خواهان تغییر به مرکزیت طبقه کارگر خواهیم بود. رژیم در داخل کشور به بن‌بست رسیده است و سرکوب نیز جواب نمی‌دهد. اکثریت مطلق مردم خواهان سرنگونی این رژیم هستند.

مردم نیز به بن‌بست رسیده‌اند زیرا از یک سو نمی‌توانند تحت این رژیم زندگی کنند و از سوی دیگر سازمان رهبری کننده یعنی حزب کمونیست راستین در ایران حضور ندارد و مردم آلت‌رناتیو سوسیالیسم را یا نمی‌شناسند و یا با آن زاویه دارند. در نتیجه تا اوضاع چنین است اگر سرنگونی‌ای صورت بگیرد، می‌تواند دوباره ۵۷ و یا سوری‌های دیگر در ایران تکرار شود.

این است شرایط رژیم در داخل کشور. شرایط بین‌المللی و شرایط داخلی نشان می‌دهد که رژیم در شکنندگی کامل، و در شرایط ضربه پذیری‌ست. یک جنبش انقلابی می‌تواند آن را به زباله‌دان تاریخ بیافکند.

نتیجه:

رژیم خونخوار و ضد مردمی ایران از دو سو در منگنه و فشار قرار دارد. از یک سو توسط مردم ایران که برای سرنگونی‌اش مبارزه می‌کنند و از سوی دیگر توسط نیروهای امپریالیستی به ویژه آمریکا و اسرائیل که برای تسلیم‌اش تلاش می‌کنند.

رژیم ایران در این وضعیت قادر به عقب راندن دشمنان بین‌المللی خود نیست. آنها در حال تهاجمند. ولی فشارهایی را که رژیم از سطح بین‌المللی دریافت می‌کند، می‌تواند به نیروهای اپوزیسیون منتقل کند و منتقل هم خواهد کرد.

به بیان دیگر هر چقدر رژیم ایران بیشتر تحت فشار نیروهای بین‌المللی قرار گیرد، به همان نسبت فشار و فاشیسم را بر مردم درون کشور بیشتر تحمیل می‌کند. سرکوب‌ها تشدید می‌شوند، فشار بر زنان تحمل ناپذیرتر می‌گردد و گرسنگی و فقر

سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ایران زمانی امکان دارد که حزب کمونیست راستین و سرتاسری ایران در طبقه کارگر حضور داشته باشد

مناسبات اقتصادی فشرده‌ای بین دو سودان برقرار است.

سودان در هر روز ۳۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کند. در نتیجه دومین عاملی که می‌تواند طمع کشورهای نیازمند نفت را برانگیزد این ماده حیاتی برای نظام سرمایه‌داریست. برای غارت منابع ثروت انسانی و طبیعی این کشور حدود ۱۲۰ کشور از جمله آمریکا، کانادا، چین، روسیه، فرانسه، آلمان، ایران و انگلستان در سودان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آغاز درگیری‌ها در این کشور ثروتمند ولی با مردم فقیر، ظاهراً در جریان اختلاف ژنرال حمدوک با عمر حسن احمدالبشیر رئیس جمهور سودان آغاز شد. عمرالبشیر فرد مستبدی بود که از ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۹ بر سودان فرمان می‌راند. در زمان او یک پاکسازی قومی صورت گرفت که به قتل عام ۲۰۰ هزار نفر انجامید.

شرکت‌های روسی و چینی در زمان حاکمیت او تأسیسات میدین نفت را برپا کردند و بدین ترتیب این رئیس جمهور توانست اقتصاد کشورش را مدیریت کند و کنسرن‌های روسی و چینی نیز به سودهای هنگفت خود دست یابند.

پس از کودتای حمدوک علیه عمرالبشیر در سال ۲۰۱۹ امید به دمکراسی، طیفی از جوانان و انجمن‌های حرفه‌ای و سیاسی را برای تحکیم آن به حرکت درآورد ولی مدت این امید و شغف بسیار کوتاه بود. مهمترین نتیجه "تعهد نامه چوبا" بین طرفداران حمدوک و عمرالبشیر این بود که آنها تمام نیروهای کشور را با هدف یک تحول سیاسی بسیج کنند. ولی ارتش سودان دوباره دست به کودتا زد و در ۲۰۲۱ مجدداً قدرت سابق را به دست آورد.

زمانی که ادغام نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) تحت رهبری ژنرال همتی داگالو در ارتش سودان با شکست روبه‌رو شد، در آوریل ۲۰۲۳ جنگ با دولت به رهبری ژنرال البرهان در پایتخت این کشور آغاز شد. نیروهای پشتیبانی سریع توانستند بخش‌های وسیعی از پایتخت را به دست آورند ولی ژنرال البرهان با حمله

هوایی و بمباران کردن مناطق اشغال شده پایتخت به آنها پاسخ گفت. یک جنگ بی رحمانه و بسیار خونین آغاز گردید که در عرض یک سال ۱۵۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۳,۱ میلیون نفر آواره شدند که ۱۰,۹ میلیون نفر آنها آوارگان و مهاجرین داخلی هستند. اکنون این جنگ خانمان سوز با شدت جریان دارد که در نتیجه ۲۵,۶ میلیون نفر در معرض گرسنگی و قحطی قرار دارند، یعنی بیش از نیمی از جمعیت. از سپتامبر ۲۰۲۴ ارتش سودان حملات شدیدی را علیه نیروهای پشتیبانی سریع آغاز کرده که در نتیجه آن بسیاری از مناطق خرطوم و استان‌های جنوب شرقی سودان را دوباره به دست آورده است.

«بر اساس داده‌های به دست آمده، از ۱۵ آوریل ۲۰۲۳ میلادی تا ۲۵ اکتبر سال ۲۰۲۴، طرف‌های متخاصم در مجموع ۸۹۴۲ حمله، به طور متوسط ۱۶ حمله در روز علیه یکدیگر داشته‌اند.» (بی بی سی) با حمله مجدد نیروهای پشتیبانی سریع باید انتظار داشت که هزاران نفر دیگر قربانی و ده‌ها هزار دیگر بی خانمان و آواره گردند. با وجود این که برخی سازمان‌های دمکراتیک برای برقرار صلح و ایجاد یک دولت غیر نظامی تلاش می‌کنند، ولی هنوز گرایش امیدوار کننده‌ای به چشم نمی‌آید.

حوادث خونبار سودان از آسمان نازل نمی‌شود، دارای علل زمینی و طبقاتی‌ست. پشت تمام این حوادث دردناک منافع گروه و یا گروهائی نهفته است که درگیری را شکل می‌دهند.

بعد از استقلال سودان از بریتانیا در سال ۱۹۵۶ انواع و اقسام گروه‌های مذهبی اسلامی به وجود می‌آید که عده‌ای از آنها متعصب و پیروان شریعت هستند. طبقه مالکین ارضی و سرمایه‌داران از این شاخه مذهبی در تقابل با مردم استفاده ابزاری می‌کنند. در تقابل با آنها سازمان‌ها و گروه‌هایی وجود دارند که طرفدار دمکراسی‌اند و در رابطه با گروه‌های مسلمان معتدل "امت" و "خاتمیه" هستند. این گرایش‌ها اکثریت

مردم سودان را نمایندگی می‌کنند. در سال ۱۹۸۳ بسیاری از قوانین شریعت در بخش قوانین جزائی قانون اساسی وارد گردید و تضادهای طبقاتی را در شکل تضادهای مذهبی تشدید کرد. شریعتی کردن قوانین اساسی در انطباق با منافع طبقه حاکم است. هر اندازه که تضادهای طبقاتی شدت بیشتری می‌گیرد، جامعه سودان را اسلامی‌تر می‌کنند.

سودان جنوبی به لحاظ اقتصادی بسیار عقب مانده و در حاشیه نگهداشته شده است. لذا تضاد سطح زندگی این مناطق با خرطوم، تضاد زندگی اسکان یافته با زندگی قبایل کوچنده، زندگی کشاورزی عقب مانده با کشاورزی مدرن ولی اندک و وجود انواع و اقسام تضادهای دیگر بسیار عمیق و آشتی ناپذیر گشته است.

تضادهای برشمرده واقعیتی‌ست که جامعه سودان را می‌سازد ولی این تضادها به تنهایی عامل جنگ‌های نابود کننده و قتل عام‌های گسترده نیست.

پیش از ظهر ۱۲ مارس ۲۰۲۴، ارتش سودان پیشروی نظامی بزرگ خود را جشن گرفت. زیرا توانسته بود دفتر مرکزی رادیو و تلویزیون دولتی را در خارطوم، پایتخت، باز پس بگیرند. «آنچه در این پیروزی نظامی قابل توجه بود این بود که ویدیوها نشان می‌داد این حمله با کمک پهپادهای ساخت ایران انجام شده است.

به گفته ویم زویننبورگ، کارشناس هواپیماهای بدون سرنشین، موتور و دم پهپاد سرنگون شده دولتی، شبیه یک پهپاد ساخت ایران به نام مهاجر-۶ است.» (بی بی سی فارسی)

«سه هفته پس از سرنگونی مهاجر-۶، نیروهای ار اس اف ویدیویی از سرنگونی یک پهپاد دیگر منتشر کردند.» (همانجا) در عین حال تسلیحات دیگر ایران توسط بوئینگ در اختیار دولت سودان قرار می‌گرفت و می‌گیرد.

تلاش همه جانبه ایران برای نفوذ در آفریقا از سال ۱۹۸۳ آغاز گردید. وجود دوستان قدرتمند ایران در سودان، روسیه و چین، به این نفوذ یاری رساندند. منافع دولت ایران و طبقه حاکم در شریعتی

دی‌اکسید) به عنوان آلاینده ناشی از سوزاندن مازوت، باعث آلودگی می‌شود. در نتیجه اگر مازوت سوزی در نیروگاه اراک را متوقف کنیم، انتظار داریم وضعیت مطلوبی را در این شهر داشته باشیم». این کارخانجات علاوه بر آن از ذغالسنگ و گاز طبیعی نیز استفاده می‌کنند.

البته ایشان نمی‌گویند که علت سوزاندن مازوت به ویژه در کارخانجات برق چیست. صاحبان حریر و طماع کارخانجات اراک که پشتوانه محکم دولتمردان رژیم را نیز دارند، برای مخارج کمتر و در نتیجه سود بیشتر، مواد ارزانتر فسیلی را به کار می‌برند. برای آنها هم مهم نیست که چند هزار نفر در این جریان سلامت و جان خود را از دست می‌دهند. لذا تا این سودپرستان در رأس کارخانجات قرار دارند، سوخت مازوت هم ادامه خواهد داشت؛ چه در اراک، چه در تهران و یا چه در شهرهای دیگر.

شهر اراک در دامنه کوهی با شیب ملایم واقع شده است. دولت و سرمایه‌داران خصوصی در اطراف این شهر، هر کجا که دلشان خواسته‌است کارخانه احداث نموده‌اند. لذا دور تا دور این شهر صنعتی پر است از کارخانه‌هایی که با ماشین‌های مستعمل کار می‌کنند. این کارخانجات تولیدکننده مواد سمی بسیارند و باد از هر سو که بوزد مواد آلاینده را درون شهر می‌پاشد. به این جهت هر سال تعداد بسیاری جان خود را از دست می‌دهند.

این صنایع نه تنها در اراک مستعمل هستند بلکه در همه جای ایران چنین است زیرا دولت برای رشد صنعت علاقه چندانی نشان نمی‌دهد. «ذوب آهن منبع مهم و اصلی آلوده کننده هوای اصفهان است که در محدوده شعاع ۵۰ کیلومتری شهر استقرار یافته‌اند که تأثیر منفی این صنعت روی جمعیت سه میلیون و ۶۰۰ هزار نفری این محدوده غیر قابل انکار است» (تربابی - سایت عصر ایران)

معاون سازمان محیط زیست در مورد ذوب آهن و فولاد مبارکه می‌گوید: «از خود این صنایع خواستیم که راهکارهای

۲- آشفستگی و هرج و مرج در اقتصاد کشور و عدم رسیدگی و اصلاح محیط زیست.

آلودگی هوا یکی از جدی‌ترین معضلات زیست محیطی جامعه ایران است. امروزه هوای بسیاری از شهرهای ایران آلوده است یعنی در جو، ذرات معلق و گازهای سمی بیش از مقدار قابل قبول برای حیات و سلامت انسان وجود دارد. امروزه هوای بسیاری از شهرهای ایران آنچنان مسموم است، آنچنان آلوده به ذرات و گازهای مرگ آور است که تهران را در رتبه ششمین آلوده‌ترین شهر جهان قرار داده است. این آلودگی پایدار فقط مختص تهران نیست بلکه شهرهای قم، اراک، اهواز، ایلام، بوشهر، تبریز، ارومیه، خراسان شمالی، مشهد و مازندران را نیز در خود گرفته است. این آلودگی از هر منفذی به داخل مکان‌های زیست نفوذ می‌کند و فرار و گریزی از آن متصور نیست. لذا تعطیلی مدارس و ادارات از گستره بیماری‌ها و مرگ ناشی از آلودگی هوا نمی‌کاهد.

آلودگی هوا در شهرهای فوق از ۲۷ آذر تا ۷ دی ماه ۱۴۰۳ بین ۱۷۲ تا ۱۸۰ ppm در نوسان بوده است (1 = ppm میلی گرم از یک ماده در یک لیتر از یک مایع دیگر). درجه خطرناک بودن هوا از ۱۰۰ تا ۲۰۰ ppm می‌باشد. بالای این مقدار حیات قادر به دوام نیست. علل مشخص این آلودگی و وضعیت اسفناک زیست محیطی چیست؟

مهمترین عوامل آلودگی هوا، افزایش آلاینده‌هایی‌ست که از دستگاه‌های صنعتی با سوخت فسیلی ناشی می‌گردد:

۱- کارخانجات صنعتی:

موتورهای کارخانجات صنعتی نیز با سوخت فسیلی کار می‌کنند. روشن است که گازوئیل نسبت به بنزین گازهای خطرناک بیشتری تولید می‌کند و مازوت نسبت به گازوئیل گازهای خطرناک و پرشماری تولید می‌نماید.

معاون سازمان محیط زیست می‌گوید: «وقتی در شهر اراک تحلیل روزهای آلوده را در نیمه دوم سال گذشته انجام دادیم، متوجه شدیم که SO₂ (گوگرد

کردن قوانین اساسی سودان بود که تضادها را تا یک خونریزی بی نظیر تاریخی به پیش برد. پس از سرنگونی بشار اسد در سوریه، سودان به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم روسیه در افریقا مورد نظر است.

در همین حال، در اوایل جنگ داخلی ... نیروهای پشتیبانی سریع از پهپادهای کوادکوپتر استفاده کردند ... «امارات متحده عربی همین پهپادها را در مناطق دیگر درگیری مانند اتیوپی و یمن در اختیار متحدان خود قرار داده است.» (بی بی سی) در واقع به گفته بلو «امارات نیز دارای منافع اقتصادی در سودان بوده و به دنبال جای پای در دریای سرخ است.»

منافع طبقه حاکم در سودان در تطابق با منافع بورژوازی ایران و منافع بورژوازی در اپوزیسیون منطبق با منافع امارات عربی، جامعه سودان را به خون کشیده است. این کشور ثروتمند و بزرگ را به قتلگاه ده‌ها هزار و بی خانمانی میلیون‌ها نفر تبدیل کرده است. سرمایه‌داری برای کسب سود روی نعش میلیون‌ها انسان پا می‌گذارد. راه نجات مردم سودان از جنگ و بی خانمانی و آوارگی، برکندن از بیخ و بن سرمایه‌داری‌ست.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

علل تخریب محیط زیست و آلودگی هوای شهرهای ایران

توسط انسان است. به بیان دیگر سرمایه‌داری مهمترین نقش را در تخریب طبیعت ایفا می‌کند.

در ایران نیز تخریب محیط زیست ناشی از همین عامل است با ویژگی خود. این ویژگی عبارت است از؛

۱- چپاول حریرصانه و بی رویه هر آنچه که ثروت است و یا می‌تواند به ثروت تبدیل شود. مثل استفاده بی رویه آب، معادن مختلف، نفت و غیره،

ریزگردهای نوع اول را دارد و هم با سموم خطرناک آغشته است. به هر جهت این آلاینده‌ها باعث بیماری‌های خطرناک و جان‌ستان می‌گردند که ظاهراً در سطح، علت آنها ظاهر نیست. بیماری‌های ناشی از آلاینده‌ها در هوا، بیشتر و عمدتاً بیماری‌های مغزی، پوستی، ریوی و قلبی است.

«طی پروژه‌های که دو سال روی آن کار کردم، ... به این رسیدیم که یکسری گازهایی مثل ترکیبات گوگردی، نیتروژنی و از همه مهم‌تر کربن مونوکسید یا CO ارتباط بسیار معنی‌داری با بروز تومورهای مغزی بالاخص تومورهای مغز بدخیم داشتند.» «به طوری که اکنون «۷ میلیون ایرانی در معرض ابتلا به تومور مغزی» هستند.... «در نهایت باید بگویم سونامی سرطانی که در ایران می‌گویند شروع شده و در چند سال آینده کل جمعیت ایران را دربر می‌گیرد و هر خانواده حتماً یک بیمار سرطانی را تجربه خواهد کرد اغراق به نظر نمی‌آید.» (خبرآنلاین)

در مورد سرطان مغزی هیچ آماری وجود ندارد. وزارت بهداشت اجازه این کار را نمی‌دهد، زیرا جنایات انجام شده در جامعه که فقط و فقط منافع انگشت شماری سرمایه‌دار انگل سودپرست را تأمین می‌کند، نباید فاش گردد.

تلاش برای کسب ابرسود در کوتاه‌ترین مدت که باعث آلاینده‌گی هوا در ایران است، باعث مرگ زودرس ۴۵ هزار نفر در سال می‌گردد که ۱۳ درصد کل مرگ‌ها در ایران است.

در عین حال وجود آلاینده‌ها در این ابعاد در هوا باعث بروز بیماری‌های روانی نیز می‌گردد که مهمترین و گسترده‌ترین آن، افسردگی و دلزدگی نسبت به زندگی است که جامعه را به قهقرا می‌کشد و این یکی از علل خودکشی در ایران است.

۴- یکی دیگر از بحران‌های زیست محیطی در ایران که قدرت تخریب بسیار گسترده‌ای دارد، فروکش یا فرونشست زمین است.

از سوخت فسیلی (بنزین و یا گازوئیل) در خودروها، گازهای دی‌اکسید کربن، مونوکسید کربن، دی‌اکسید نیتروژن و دیگر آلاینده‌ها تولید می‌گردد که برای زندگی خطرناک است. این گازها همیشه با آلاینده‌های دیگری همراه‌اند که خطر بالفعل را تشدید می‌کند. خودروهایی نیز که با برق کار می‌کنند، برق آنها در کارخانه‌ای تولید می‌شود که با بنزین، گازوئیل، زغالسنگ و یا مازوت کار می‌کند. در نتیجه وجود خودروهای برقی نیز که ظاهراً مورد قبول دارند، نشانی است بر تخریب شدید محیط زیست.

در ایران زندگی هر روز گرانتر می‌شود و قدرت خرید مردم پائین می‌آید. و چون رسیدگی و تعمیر موتور خودرو و کنترل سوخت آن با هزینه همراه است، موتورها اغلب کهنه و ناسالم‌اند. لذا سوخت ناقص مواد فسیلی در آنها باعث تولید گازهای سمی بیشتری نسبت به موتورهای سالم می‌شود. به لحاظ آماری از ۱۳۹۸ تا کنون «هر سال بین ۵ تا ۶ میلیون لیتر به مصرف روزانه بنزین افزوده شده است.» (اتومدیا - ۲۶ آبان ۱۴۰۳)

از سوی دیگر در کشورهایی با ساختارهای سرمایه‌داری وابسته مثل ایران، برخی شهرها به کلان شهر و مرکز صنعت و تولید تبدیل می‌گردد. مردم از شهرهای کوچک برای یافتن کار بدین شهرهای کلان رو می‌آورند، جمعیت خارج از ظرفیت این شهرها در آن فشرده می‌گردد و میلیون‌ها خودروی فرسوده و مستعمل شب و روز به آلوده کردن هوا مشغول می‌شوند.

۳- ریزگردها

دو نوع ریزگرد وجود دارد. نوع اول از صحرای و بیابان‌های خشک بدون پوشش گیاهی توسط باد در هوا پاشیده می‌شود. این نوع ریزگرد باعث اختلالات تنفسی و فشارهای قلبی می‌شود ولی مسموم نیست.

نوع دوم از دپوهای پسماند کارخانجات و مؤسسات تولیدی، زباله شهرها، دود کارخانجات و خودروهای درون شهرها و عوامل دیگر ایجاد می‌شود که هم خطر

رفع آلاینده‌گی را ارائه کنند. متأسفانه ذوب‌آهن اصفهان در ۲۰ سال گذشته بارها راهکار و برنامه زمان‌بندی برای اجرای آن داده، اما هر دفعه مهلت خریده و زمان اجرای راهکارها و برنامه‌های کاهش آلاینده‌گی را تمدید کرده و هرگز به تعهداتش عمل نکرده است.»

چطور ذوب آهن اصفهان قادر می‌شود تعهداتش را در مدت بیست سال انجام ندهد؟ چون پشتیبان در دولت دارد، سوده‌های میلیاردی به جیب می‌زنند ولی تعهدات زیست محیطی را به هیچ می‌گیرند و ککشان هم نمی‌گزد.

زمانی که این کارخانجات شروع به تولید می‌کنند علاوه بر گازهای سمی خطرناک و ذرات بسیار مهلک معلق در هوا، آب‌های آشامیدنی را که برای خنک کردن موتورها به درون کشیده‌اند، به صورت آبهای مسموم و گرم در رودخانه‌ها، حفره‌های طبیعی که به آب‌های زیر زمینی باز می‌شود، می‌ریزند، بخشی از این آب‌های آلوده، گریز ناپذیر وارد آب آشامیدنی درون شهرها می‌گردد و بیماری‌های هولناکی را سبب می‌شود.

علاوه بر آن پسماندهای کاملاً سمی و خطرناک کارخانجات و زباله‌های شهری، در اطراف شهرها به صورت دپوی باز انبار می‌شود. این پسماندها با بارش باران به عمق می‌رود و به آب‌های زیر زمینی می‌پیوندد. در تابستان که خشک می‌شود به صورت ذرات خطرناک معلق در هوا سطح شهرها را می‌پوشاند. و در زمستان با هر وزش بادی صدها تن از آن به صورت باران ناپیدا بر شهر ریزش می‌کند.

در برخی مناطق ایران پسماندها با فلزات سنگین و حتی فاضلاب‌ها به درون آب سدهائی که شرب مردم هستند ریخته می‌شود. مثل کردستان که پسماندها و فاضلاب روستای سراب قامیش با دو هزار نفر جمعیت وارد آب سد قشلاق می‌شود که باعث بیماری‌های صعب‌العلاج و مرگ‌های جمعی گشته است.

۲- خودروها:

خصوصیاتی که لنین درباره تروتسکی می‌نویسد، اینگونه است:

«تو گوئی این اختلافات، آنهم در میان رهبران برجسته جنبش سوسیالیستی امری غیرطبیعی است» و در ادامه می‌آورد «آن مناسبات هرچه بود در کادر کمونیستی و ضرورت انکشاف نظرات سوسیالیستی بود» و بالأخره «مناسبت لنین با تروتسکی با هر درجه اختلاف، مناسبات بین دو مارکسیست انقلابی در کادر انقلابی بود».

بایستی به این تروتسکیست نا آشنا به مارکسیسم - لنینیسم یاد آورش که از کی و چه زمانی، شخصی که همواره با منشویک‌ها نرد عشق می‌باخت، انحلال طلبی و ضد حزبیت را پیشه کرده بود، با کائوتسکی همراه شد، "تا جائیکه قادر" بود "به راست‌ها یاری" رسانید و تلاش کرد با امپریالیست‌های فرانسوی و انگلیسی عهد مودت ببندد و آنرا به دروغ و شیادانه به لنین نسبت داد، با فاشیست‌های آمریکائی و ارتجاعی‌ترین جناح ضد کمونیستی آنجا در مبارزه علیه کمونیست‌ها همراه شد و حتی در خدمت نازی‌های آلمانی درآمد، از جمله "رهبران برجسته جنبش سوسیالیستی" شناخته می‌شود؟ بگذار تمامی ضد کمونیست‌ها، مطبوعات بورژوازی سراسرجهان به تمجید از تروتسکی پردازند و سعی کنند او را به عنوان یک "کمونیست" نمونه نشان دهند، اما هیچ کمونیست واقعی یافت نمی‌شود که تروتسکی را به عنوان حتی یک سوسیال دموکرات انترناسیونال دوم بشناسد تا چه برسد به یکی از "رهبران برجسته".

گویی جناب بیانی مفهوم و معنای شارلاتان، شاید، حقه باز کامل، خطرناکتر از دشمن، خیانت و ... را نمی‌داند و متوجه نیست که این الفاظ و نسبت‌ها بار سیاسی دارند و نه تنها بین "رهبران برجسته جنبش سوسیالیستی" متداول نبوده و نیست بلکه حتی در بین احزاب بورژوائی نیز رایج نمی‌باشد. بیانی با عادی و طبیعی جلوه دادن آن الفاظ و خصوصیات در بین کمونیست‌ها، به جنبش کمونیستی توهین

و کرمان و دیگر مناطق ایران مشاهده کرد.

مقدار فرونشست متوسط در جهان ۴ میلیمتر در سال است. در ایران این مقدار کمی بیشتر از ۳۸۰ میلیمتر در سال اندازه‌گیری شده است. فرونشست زمین در استانهای تهران و اصفهان و دیگر مناطقی که نفت خیز نیست در اثر خارج کردن بی رویه آب از اعماق زمین پدید آمده است. در ایران به علت سیستم اقتصادی سرمایه‌داری با ویژگی چپاول و غارت ثروت‌های موجود، منابع آب‌های سطحی به خشکی گرائیده و بین ۸۰ تا ۸۵ درصد آب مصرفی در کشاورزی و مصارف شهری از آب‌های زیر زمینی تأمین میشود. این روش غیر علمی و مخرب خشک شدن بیشتر مناطق وسیعی را باعث شده است که با وزش باد، ریزگردها از زمین برمی‌خیزد و همراه سموم دیگر راهی شهرها و روستاهای کشور می‌گردد.

چنان که ملاحظه می‌شود، بلایای ظاهراً طبیعی، اساساً طبیعی نیست بلکه دست ساز طبقه حریص، منفعت طلب، طماع و کوتاه بینی به نام طبقه سرمایه‌دار است. تا وقتی این طبقه در ایران حاکم است، تخریب محیط زیست با شدت بیشتری اعمال می‌شود و جان صدها هزار و میلیون‌ها انسان را می‌گیرد. لذا مردم مترقی و زحمتکش ایران باید در فکر برپائی ساختاری باشند که همراه با از بین بردن استثمار انسان از انسان، استثمار طبیعت از سوی انسان نیز از بین برود.

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما بپیوندید

سلاح زنگ زده تروتسکیستی

یاری می‌رساند. یکی از توضیحات یا بهتر ذکر شود توجیهات جناب بیانی در عادی جلوه دادن

فرونشست زمین فقط مربوط به استثمار و تخریب طبیعت توسط انسان نیست. در برخی از مناطق گاه‌ها زمین فرونشست پیدا می‌کند. این نوع فرونشست کاملاً در تعادل با تغییرات دیگر طبیعی است. ولی فرونشست زمین ناشی از تخریب طبیعت توسط انسان، کاملاً غیر طبیعی است که تعادل طبیعت را از بین می‌برد. و طبیعت نیز با نابودی انسان و دیگر جانوران مجدداً به تعادل می‌رسد.



این نوع فرونشست زمین ناشی از استثمار بی رویه طبیعت است. استفاده غیر علمی و سودجویانه از آب‌ها و منابع زیر زمینی است. مکیدن آب‌ها و نفت و گاز و استخراج تولیدات معدنی از اعماق زمین و ایجاد حفره‌های بزرگ باعث شکنندگی پوسته زمین و فرو ریزی آن می‌گردد. علی بیت‌اللهی؛ مدیر بخش زلزله مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گفت: «فرونشست، پایین رفتگی تدریجی سطح زمین است که دلایل مختلفی دارد. در کشور ما، پایین رفتگی تدریجی سطح زمین به دلیل افت سطح آب زیرزمینی است...» (مخاطب ۲۴) او در جای دیگر می‌گوید: «تاکنون حدود ۱۴۰ میلیارد مترمکعب از منابع آب زیرزمینی کشور از دست رفته است. برای درک این حجم، می‌توان یک کانال به عرض یک کیلومتر و عمق ۱۰۰ متر از ساحل دریای مازندران تا دریای عمان تصور کرد. این میزان معادل برداشت آب ماست.» (سایت رکنا)

ایران در بین کشورهای دیگر جهان بیشترین فرونشست زمین را دارد یعنی ۹۰ برابر میانگین فرونشست زمین در کل کره. در برخی مناطق ایران فرونشست به صورت حفره‌های وسیع و عمیقی درآمده است. این پدیده مخرب را می‌توان در دشت مشهد، در تهران، دشت کبودرآهنگ، کاشمر، استان‌های اصفهان

گل مینای جوان

از درون شب تار، می شکوفد گل صبح
 خنده بر لب، گل خورشید کند، جلوه بر
 کوه بلند
 نیست تردید زمستان گذرد
 وز پیاپی اش پیک بهار
 با هزاران گل سرخ
 بی گمان می آید
 در گذرگاه شب تار، به دروازه ی نور
 گل مینای جوان
 خون بیفشانده تمام
 روی دیوار زمان
 لاله ها نیز نهادند به دل، همگی داغ سیاه
 گرچه شب هست هنوز، با سیه چنگ بر
 این بام آونگ
 آسمان غرق ستاره است و لیک
 آسمان غرق ستاره است هنوز
 خوشه ها بسته ستاره گل گل
 خوشه ی اختر سرخ
 با تپش های سترگ
 عاقبت کوره ی خورشید گدازان گردد
 اثر سعید سلطان پور



مورد تشکل سیاسی کمونیستی، به منافع
 پرولتاریا و سایر زحمتکشان، ترجیح
 می دهد. البته از یاد نبریم که تروتسکی
 گفته بود: «وسیله را فقط هدف می تواند
 توجیه کند»

و زمانیکه منافع شخصی و ارجحیت آن
 بر منافع جمع به عنوان هدف در صدر
 برنامه قرار گیرد، کافی است به سبک
 تروتسکی یک چاشنی چپ نمائی بر آن
 افزود، از جمله اضافه کرد "برای خدمت
 به جنبش کارگری". به عبارت ساده تر بر
 اساس منطق و سبک کار تروتسکی،
 شخص خودش هدف را که همانا منافع
 شخصی است تعیین می کند، شخص
 خودش وسیله ی در خدمت به این هدف را
 معین می سازد و خودش مدعی می شود که
 آن ها تماماً در خدمت به جنبش کارگری
 است. این شخص هر دروغ، تحریف،
 دشنام، بدگویی، تخریب، همکاری با
 دشمنان مارکسیسم، فریب و ... را برای
 خود مجاز می شمارد چون در خدمت به
 هدف شخصی مورد نظرش
 هستند. زمانی که لنین در مورد تروتسکی
 سخن می گفت، آن خصوصیات تروتسکی
 را در نظر داشت و به شوخی طرح
 نمی کرد بلکه کاملاً جدی بیان می داشت و
 به بار سیاسی آن ها آگاهی کامل داشت.

ادامه دارد

با تروتسکیسم، ضد انقلاب در خفا،
 مبارزه کنیم.

می کند و قصد لجن مالی کردن این جنبش
 را دارد. از یک مدعی پیروی از
 تروتسکی انتظاری دیگر نمی شود
 داشت. جناب بیانی جنبش کمونیستی را تا
 سطح جماعت اوباشان حلقه زده به دور
 این یا آن آخوند فلان مسجد پایین می آورد
 و می خواهد لومپنیسم را جایگزین اخلاق
 و سبک کار کمونیستی کند. از شخصی
 که در تشکل سیاسی خود، به مخالفین
 نظر و اعمالش در آن تشکل یعنی به دیگر
 تروتسکیست ها در یک گروه
 تروتسکیستی می گوید:

«ای کثافت آشغال... یقه تو آشغال کثافت
 را جوری بگیرد که دیگر به خودت اجازه
 خوردن گه های بزرگتر از دهانت ندهی،
 مردیکه آشغال... احمق کاسبکار» (از
 جزوه: دلایل شکل گیری کمیسیون مبارزه
 با ...)

چه انتظاری جز آن می توان داشت که
 بدترین الفاظ با بار سیاسی سنگین را
 "غیرطبیعی" نداند. علیرغم تصور جناب
 بیانی، جنبش کمونیستی یک تجمع از
 لومپن ها و اوباشان نیست که بیان بدترین
 خصوصیت سیاسی در مورد این یا آن
 شخص "طبیعی" و عادی باشد. اگر کسی
 در یک تشکل سیاسی، شارلاتان، شیاد،
 خطرناکتر از دشمن و حقه باز باشد،
 جایی در آن تشکل ندارد زیرا آن شخص،
 منافع و مقاصد شخصی را به منافع
 جمعی، به اهداف تشکل سیاسی و در

شیوه تفکر یک خرده بورژوا: خرده بورژوا انتقاد سیاسی را با برچسب و فحاشی شخصی جواب میدهد. چون منطق ندارد، دشمنی را به آنجا میرساند که در ذهنش مرز دوست و دشمن داخل میشود. از منتقد بیشتر از دشمن طبقاتی نفرت پیدا میکند. خرده بورژوا انسان ترسوئیست که ظاهرش را با رنگ قرمز نقاشی کرده است.

پرولتاریای جهان متحد شوید

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!
 در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!
 حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!
 تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!
 به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!
 پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا
 پیروز باد دولت شورائی کارگران و تهیدستان